

می گویند جسد جن در آن ها هست ولی ما نمی بینیم. برای دیدنش به آن سو می رویم. تاج محمد با خنده می گوید: "اگر می خواهی جن ببینی، شب برویم." ولی علاقه ای به دیدن جن ها ندارم، بخصوص وقتی نتوانی از آن ها عکس بگیری. نزدیک روستاست، در واقع آر میده بر شیبی ملایم بر دامنه های پیل بند. مقابر جنّانی با مقابر "سیراف" بوشهر شبیه است. با این تفاوت که تعداد قبر ها کمتر و جهت آن ها تقریباً شمالی جنوبی یا شمال شرقی، جنوب غربی است. تا چندی پیش در میان قبر ها، چند قبر ایستاده به چشم می خورد. ولی اکنون حتی یافتن قبور معمولی هم سخت است. تقریباً حدود ۲۰۰ قبر کهن در محوطه قدیمی آن وجود دارد که به خاطر بی توجهی مردم و مسئولان در حال از بین رفتن است.

هنوز سنگ قبر های برخی از گور ها دیده می شود و غالب سنگی آن ها در میان خار و خاشاک خودنمایی می کند ولی کاملاً مشخص است که به زودی برای همیشه نابود می شود. بخصوص که اخیراً گروهی غیر بومی با حفاری و کندن گور ها روند تخریب آن ها را تسریع کرده اند. کما این که وقتی به آن جا می رسیم یکی از گور ها را می بینیم که ظاهراً شب قبل حفاری شده بوده است.

غار های سه گانه و معبد بانو سیتی (بان مسیتی)

برای دیدن معروف ترین آثار تاریخی روستای تیس در دامنه کوه شهباز بند، می رویم. به محض ورود به روستا، تابلویی دیده می شود که مسیر غار های سه گانه را نشان می دهد؛ منتها علیه شمال روستا. همان جا که دکه ای کوچک و حقیر وجود دارد که در درونش پیرمردی کهنسال و قرتوت نشسته به عنوان نگهبان غار ها و البته فروشنده بلیت. وقتی می پرسیم بلیتش چندانست، با دست های چروکیده اش عدد ۲ را نشان می دهد؛ ۲ هزار تومان را می دهم و از پلکان بالا می روم. پلکانی جدید و کم ارتفاع.

یک غار طبیعی و دو غار مصنوعی در کنار هم قرار دارند مجموعه این غار ها را مردم محل به نام "بان مسیتی" می شناسند. در

آورده. زیبایی که در دل خود خطر بزرگی نهفته دارد؛ چگونگی در تاریکی، راه آمده را باز گردیم؟ باز می گردیم اما به سختی. تا به هتل می رسیم، در همان حال غریب هستیم. دلم نمی خواهد حرف بزنم یا کسی سکوت را بشکند. همه چیز مثل یک رویا بود، رویایی زیبا که شاید تا ابد در دل صخره ها پنهان بماند.

گورستان "جن ها"!

از گورستان جن ها هم زیاد شنیده ام، گورستانی عجیب که بومیان محلی می گویند متعلق به اجنه است. دلایلشان هم جالب است؛ اول آن که گور ها در دل سنگ هایی سخت حفر شده با نظم و ترتیب و اندازه های یکسان و مشخص که این کار برای انسان های ۲۰۰ سال پیش مقدور نبوده. دوم آن که درون همه گور ها خالی است و هیچ جسدی وجود ندارد و سوم آن که در آن ناحیه بار ها جن رویت شده. بومیان می گویند، شب ها اجنه بر سر مزار مرگانشان می آیند و مویه و زاری می کنند و اگر انسانی شب هنگام از آن ناحیه بگذرد، آن ها را عصبانی می کند و به مرگی سخت می میرد. روایت آذر پیر اما چیز دیگری است. این گورستان بر تپه ای کم ارتفاع مشرف بر روستای تیس و در پای کوه پیل بند قرار گرفته است. در کنار این گورستان که به قبرستان شماره یک تیس مشهور است، قبرستان امروزی مردم روستا قرار دارد. اما گور های این گورستان بر سطح خاکی نرم حفر می شوند. مردم روستا اگر چه در گذشتگان خود را در این گورستان به خاک می سپارند، اما مراقبتی که شب گذرشان به گورستان جن ها نیستند!

تاج محمد از دلیل اصلی نامگذاری این گورستان می گوید: "طبق کتب موجود اردو، حدود ۵۰۰ سال پیش از حضور پرتغالی ها در این منطقه، یکی از بزرگان تیس به نام "میر محمد حسنی" که نیمه شب در حال گذر از منطقه سنت (دماغه) روستا، یعنی جایی که این گورستان قرار دارد، بوده با چند جن مواجه می شود. پس از آن به این ناحیه «جنّانی سنت» می گویند، یعنی دماغه جن ها و این گورستان را نیز گورستان جن ها خطاب کرده اند. ضمن این که چون گور ها خالی است



پایین نروی ولی راهی نیست. اگر برگردیم و پایین برویم و همین مسیر را با خود و بیابیم چه؟ تاج محمد می گوید قبلاً این کار را کرده ولی نتوانسته آن را بیابد. یافتنش زمان زیادی می طلبد که برای من مقدور نیست. عکس هایم را از همان جا می گیرم و با نااحتی باز می گردیم. در طول راه همه حواسم به چیزی است که دیده ام و حس غریبی که دارم. تاج محمد می گوید که این روستا نیز حداقل ۲۰۰ سال قدمت دارد ولی چون هنوز آن را از نزدیک ندیده نمی تواند دقیقاً نظری بدهد. جالب آن که اهالی روستا های اطراف نیز از وجود آن کاملاً بی اطلاعند، دیگر بماند اداره میراث فرهنگی.

از صخره ها که پایین می آییم، خورشید بر بلندای تیزترین صخره در حال غروب است و زیبایی وصف ناپذیری بوجود

یک مقبره کوچک از گچ به صورت دوسطح افقی که بر روی یکدیگر قرار دارند و فاقد آثاری از قبیل سنگ نوشته، خط و لوح است، در عمق یک متر از سطح غار دیده می شود که در آن یک فضای کوچک وجود دارد.

